

بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران

سعید اسمعیلی^۱

سعید جبارزاده کنگرلوئی^۲

مرتضی متوسل^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای دستیابی به هدف پژوهش، ۸۷ شرکت طی دوره ۸ ساله از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر هموارسازی سود مشمول مالیات به عنوان متغیر مستقل و اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. جهت اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو نماد نرخ موثر مالیات جاری و نرخ موثر مالیات نقدی جاری استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هموارسازی سود مشمول مالیات رابطه مثبت و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد ولی با محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات رابطه معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: هموارسازی سود مشمول مالیات، اجتناب مالیاتی، محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس علوم و تحقیقات آذربایجان غربی، گروه حسابداری (نویسنده مسئول)

Saeedsmaeli.ac@Gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه حسابداری Jabbarzadeh.s@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران m.motovassel@gmail.com

۱- مقدمه

بنا به دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی با فعالیت های خاص در مقابل اصول کلی وضع مالیات و کاستی‌هایی در قوانین و مقررات مالیاتی، ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. در این صورت مؤدی می‌تواند از طریق راه‌های قانونی اقدام به اجتناب از مالیات نماید. از آنجا که اجتناب از مالیات، فعالیتی قانونی است لذا بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است. در فرار مالیاتی، مؤدی با نادیده گرفتن قانون، قصد کاهش میزان مالیات پرداختی و یا عدم پرداخت آن را دارد. به رغم آنکه از این نظر فرار مالیاتی از اجتناب مالیاتی متفاوت است، اما به لحاظ رفتار اقتصادی مودیان، بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی شباهت‌های زیادی وجود دارد (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸).

دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) اجتناب مالیاتی را به عنوان هر گونه استراتژی که بدهی مالیاتی شرکت را کاهش دهد تعریف می‌کنند. هانلون و هیترمن (۲۰۱۰) اجتناب مالیاتی را به طور گسترده به عنوان کاهش مالیات تعریف می‌کنند. اجتناب مالیاتی، درآمد دولت را کاهش می‌دهد و همچنین باعث بدنامی سیستم مالیاتی کشورها می‌شود. در شرایط ایده‌آل، اجتناب مالیاتی نایستی تشویق شود و دولت‌ها بایستی به منظور پیشگیری، آن را ارزیابی و اندازه‌گیری نمایند.

از طرف دیگر، اطلاعات حسابداری یکی از منابع مهم اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. یکی از عناصر مهم این اطلاعات، صورت‌های مالی شرکت‌ها خصوصاً صورت سود و زیان آنهاست که بیانگر نتیجه فعالیت‌های شرکت در یک دوره مالی بوده و رقم نهایی آن نیز نشان دهنده سود و زیان خالص آن دوره است (ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۴). سود به‌عنوان مهمترین شاخص اندازه‌گیری عملکرد واحد اقتصادی، یکی از مباحث حسابداری است که از دیرباز جایگاه خود را در مباحث تئوریک حفظ کرده است. تمامی اطلاعاتی که از طریق گزارش‌های مالی ارائه می‌شوند باید برای استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان خارج از شرکت سودمند باشد (خالقی مقدم و آزاد، ۱۳۸۰).

محتوای اطلاعاتی یک معیار حسابداری به میزان استفاده و فایده آن در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اطلاعات اشاره دارد. سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان همواره به دنبال متغیرها و عواملی هستند که بتوانند آنها را در تصمیمات خود لحاظ کرده و گامی به سوی تصمیمات بهینه‌تر، با سود حداکثر و ریسک حداقل بردارند. در این راستا محققان در تحقیقات مالی که در قالب مطالعات رابطه ارزشی صورت می‌گیرد، به شناسایی، بررسی و آزمون محتوای اطلاعاتی و قدرت توضیح

دهندگی چنین متغیرهایی پرداخته‌اند. این نوع مطالعات اولین بار توسط بال و همکاران (۱۹۶۸) انجام پذیرفت که در آن محتوای اطلاعاتی متغیر سود و ارتباط آن با تغییرات قیمت سهام مورد آزمون قرار گرفت. به عبارت دیگر نتایج آزمون آنها نشان‌دهنده این بود که سود حسابداری در تبیین قیمت سهام دارای محتوای اطلاعاتی است. نتیجه تحقیق آنها بیانگر این است که قیمت اوراق بهادار در مسیری همانند تغییر سود هر سهم تغییر می‌کند (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۹).

پژوهش‌های اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که سود مشمول مالیات دارای محتوای اطلاعاتی فزاینده‌ای نسبت به سود دفتری است. شواهد محدودی در مورد اینکه آیا سود مشمول مالیات قیمت‌گذاری می‌شود یا خیر، وجود دارد و در مورد اینکه سود مشمول مالیات چه اطلاعاتی را در بر می‌گیرد و چه بازاری آنها را قیمت‌گذاری می‌کند نیاز به پژوهش بیشتری می‌باشد (میبری و همکاران، ۲۰۱۲).

بنابراین هدف این پژوهش، بررسی تبعات بالقوه هموارسازی سود مشمول مالیات، خصوصاً بررسی این که هموارسازی سود مشمول مالیات با نتایج فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آتی شرکت‌ها و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات چه رابطه‌ای دارد؟ است.

پژوهش حاضر از نه بخش تشکیل شده که پس از مقدمه، در بخش دوم به مبانی نظری تحقیق که شامل مبانی نظری مرتبط با موضوع و پیشینه خارجی و داخلی تحقیق می‌باشد اشاره شده است، بخش سوم تا ششم به بیان فرضیات و مدل‌ها و آزمون فرضیات و نتایج تجربی پرداخته است، در بخش ششم بحث و نتیجه‌گیری شده است، در بخش هشتم بر اساس نتایج حاصل از تحقیق پیشنهادهایی برای فعالان و پژوهشگران برای انجام پژوهش‌های آتی ارائه شده است و در آخر به محدودیت‌هایی که در طول دوره تحقیق با آنها مواجه بودیم، اشاره شده است.

۲- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

هموارسازی سود اقدامی آگاهانه است که مدیران به منظور کاهش نوسان دوره‌ای سود در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری به آن دست می‌زنند. هموارسازی سود هدف مشخصی دارد و آن ایجاد جریان باثباتی از رشد سود است. هموارسازی سود مشمول مالیات، اقدامی است که توسط مدیر انجام می‌گیرد که باعث افزایش سود دوره جاری جهت برخورداری از مزایای مالیاتی دوره‌های آتی (اجتناب مالیاتی) و کاهش عدم اطمینان در مالیات‌ها می‌شود (میبری و همکاران، ۲۰۱۲).

انتظار می‌رود که هموارسازی سود مشمول مالیات بر فعالیت‌های مالیاتی در دوره جاری تأثیر بگذارد. سود مشمول مالیات پرنوسان در مورد جریان‌ات نقدی قبل از مالیات آتی که فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت را محدود می‌کند ابهام ایجاد می‌کند. هموارسازی سود مشمول مالیات به مدیران این اجازه را می‌دهد تا سود مشمول مالیات آتی را پیش بینی کنند که عدم اطمینان در مورد هزینه‌ها و منافع مرتبط با فعالیت برنامه‌ریزی مالیاتی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، سود مشمول مالیات هموار کارایی تصمیمات مالیاتی در دوره جاری را افزایش می‌دهد. به خاطر اینکه مزایای فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در دوره جاری و نیز دوره آتی شناسایی می‌شود انتظار داریم که شرکت‌هایی با سود مشمول مالیات هموارتر، سطوح بالاتری از اجتناب مالیاتی را در دوره‌های آتی داشته باشند. ایرز و همکاران (۲۰۰۹) و هانلون و همکاران (۲۰۰۵) دریافته‌اند که سود مشمول مالیات اطلاعات مرتبطی را برای فعالان عرصه بازار فراهم می‌آورد. به هر حال معلوم نیست که آیا هموارسازی سود مشمول مالیات منجر به افزایش یا کاهش محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات خواهد شد. فودنبرگ و تیروول (۱۹۹۵) عقیده دارند که هموارسازی سود صورت‌های مالی محتوای اطلاعاتی سود را افزایش می‌دهد. مطابق این نظریه، دیچو و تانگ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که هموارسازی با سود پایدارتر همبستگی دارد و نیز محتوای اطلاعاتی سودهای آتی و همزمان را افزایش داده است (میبری و همکاران، ۲۰۱۲).

به طور کلی، پژوهش‌های حسابداری مالی به این نتیجه رسیده‌اند که هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود دفتری را افزایش می‌دهد، و احتمالاً محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات را نیز افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، یافته‌های پژوهش‌های مربوط به گزارشگری مالی در گذشته به طور بالقوه سود مشمول مالیات را تفسیر نمی‌کنند. برخلاف سود دفتری، هدف اولیه سود مشمول مالیات انتقال اطلاعات به سهامداران نیست، بلکه به عنوان مبنایی جهت وصول درآمد توسط نهادهای دولتی است (هانلون و مایدو، ۲۰۰۹).

۲-۲- پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

۲-۲-۱- تحقیقات خارجی

لیو و نیسیم (۲۰۰۴) پژوهشی را با عنوان «سود مشمول مالیات، سودهای آتی و ارزش حقوق صاحبان سهام» انجام دادند. آنها توانایی یک مبنای مالیاتی به نام نسبت سود مالیاتی به سود دفتری را جهت پیش‌بینی رشد سودها و بازده سهام و تشریح نسبت سود به قیمت را بررسی کردند و به این نتیجه

رسیدند که نسبت سود مالیاتی به دفتری، تغییرات سود پنج سال بعد را قبل و بعد از اجرای بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۰۹^۱ منعکس می کند. برای دوره پیش از بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۰۹، اطلاعات مالیاتی با نسبت سود به قیمت همزمان ارتباطی نداشت و به طور قوی با بازده متعاقب سهام ارتباط داشت. برعکس، برای دوره پس از بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۰۹، مبنای مالیاتی به شدت با نسبت سود به قیمت ارتباط داشت و تنها با بازده متعاقب سهام ارتباط ضعیفی داشت، که نشانگر افزایش درک سرمایه گذاران از مفاهیم اطلاعاتی مالیاتی برای سودهای آتی است.

دیسائی و داماپالا (۲۰۰۵) نشان دادند که اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت تاثیری ندارد اما تاثیر آن برای شرکت‌های با حاکمیت خوب، مثبت است.

ایرز و همکاران (۲۰۰۸)، پژوهشی را با این عنوان «سود مشمول مالیات به عنوان مبنایی برای ارزیابی عملکرد تاثیر برنامه ریزی مالیاتی و کیفیت سود» انجام داده اند. ایشان ویژگی های شرکت هایی را که توانایی سود مشمول مالیات را در آگاهی بخشی سرمایه گذاران در مورد عملکرد شرکت، افزایش یا کاهش می دادند را بررسی می کنند. نتایج بررسی آنها حاکی از این است که محتوای اطلاعاتی نسبی یا فزاینده سود مشمول مالیات نسبت به سود دفتری برای شرکت های با برنامه ریزی مالیاتی بالا، پایین تر است و برای شرکت های با کیفیت سود پایین، بالاتر است. نتایج نشان می دهد که برنامه ریزی مالیاتی و کیفیت سود پایین تاثیر معکوسی بر محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات برآوردی دارد. یافته های آنان با پژوهش هایی که اختلاف سود دفتری به مالکیت را به عنوان معیار کیفیت سود و سود مشمول مالیات را به عنوان معیار ارزیابی جایگزین بررسی می کنند مرتبط است.

دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر مدیران اجرایی بر اجتناب مالیاتی شرکتی پرداختند. نتایج آنها نشان می دهد که تک تک مدیران اجرایی نقش قابل ملاحظه‌ای در تعیین سطح اجتناب مالیاتی که شرکت به کار می گیرد، ایفا می کنند.

نتایج ایرز و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از رابطه مثبت بین مالیات انتقالی سال جاری و سودآوری و بازده سهام است. در این رابطه برای شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر، محدودیت‌های مالی افزایش می‌یابد و برای شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قدرتمند کاهش می‌یابد.

میبری و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات، اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی آن پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها با سود مشمول مالیات هموارتر، از نتایج اجتناب مالیاتی آتی مطلوبی برخوردار هستند. برخلاف پژوهش‌هایی که به این نتیجه رسیده‌اند که هموارسازی، محتوای اطلاعاتی سود صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که هموارسازی محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها با این مورد که مدیران سود مشمول مالیات را برای دستیابی به اهداف خاص مالیاتی هموارسازی می‌کنند، سازگار است.

۲-۲-۲- تحقیقات داخلی

پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) به بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود با ارقام تعهدی اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که هموارسازی سود با استفاده از ارقام اختیاری توسط مدیران شرکت‌های ایرانی صورت می‌گیرد و مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی محرک‌های اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری می‌باشند و اندازه شرکت، نسبت بدهی به کل دارایی‌ها و نوسان پذیری سود به عنوان محرک‌های هموارسازی سود از اهمیت چندانی برخوردار نیستند.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف‌ها بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

خدای پور و ترک‌زاده ماهانی (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر مالیات بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و همچنین مربوط بودن اطلاعات حسابداری پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد شرکت‌هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آنها بسیار بزرگتر از درآمد مشمول مالیات آنهاست، محافظه‌کاری بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، اما در مورد شرکت‌هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آنها بسیار کوچکتر از درآمد مشمول مالیات آنهاست، نمی‌توان گفت که محافظه‌کاری کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. به علاوه، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مالیات نه تنها مربوط بودن

اطلاعات حسابداری را که شرکت‌ها ارائه می‌دهند، کاهش نمی‌دهد بلکه باعث افزایش مربوط بودن اطلاعات نیز می‌گردد.

دموری، عارف منش و عباسی موصولو (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها در این پژوهش به دنبال پاسخ این سوال بودند که آیا صرفاً هموارسازی سود باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود و یا اینکه هموارسازان سود هم‌زمان باید کیفیت سود گزارش شده را نیز در نظر بگیرند؟ بدین منظور، شرکت‌های نمونه را با استفاده از روش ایکل به دو گروه هموارساز و غیرهموارساز تفکیک نموده‌اند. سپس با بکارگیری روش اسلون به دو گروه با کیفیت سود و بدون کیفیت و در نهایت به چهار گروه شرکت‌های هموارساز با کیفیت سود، غیرهموارساز بدون کیفیت، هموارساز سود بدون کیفیت و غیرهموارساز بدون کیفیت تقسیم کردند و رابطه قیمت سهام با هموارسازی سود و کیفیت سود را در دو سطح سود و تغییرات سود آزمون کرده‌اند. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، بالاترین ارزش و برای شرکت‌های غیرهموارساز بدون کیفیت کمترین ارزش را قائل هستند.

پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) به بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود با اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که هموارسازی سود با استفاده از اقلام اختیاری توسط مدیران شرکت‌های ایرانی صورت می‌گیرد و مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی، محرک‌های اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می‌باشند و اندازه شرکت، نسبت بدهی به کل دارایی‌ها و نوسان پذیری سود به عنوان محرک‌های هموارسازی سود از اهمیت چندانی برخوردار نیستند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

همان‌گونه که تشریح شد، پژوهش حاضر درصدد روشن ساختن ارتباط هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و همچنین محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، با عنایت به مطالب فوق، این پژوهش دارای سه فرضیه به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه ۱: بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات جاری شرکت‌ها ارتباط معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات نقدی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین هموارسازی سود مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

۴- روش شناسی، جامعه آماری و نمونه آماری

روش کلی تحقیق از نظر هدف کاربردی، از جهت روش استنتاج توصیفی و تحلیلی و از لحاظ طرح تحقیق پس رویدادی (از طریق استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. جهت گردآوری اطلاعات در خصوص مفاهیم نظری، تبیین ادبیات موضوع تحقیق و پیشینه تحقیق از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی و آرشیو بورس اوراق بهادار تهران صورت پذیرفته است.

جامعه پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، چرا که اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می‌شود، لذا نسبت به اطلاعات سایر شرکت‌ها از قابلیت اتکاء بالاتری برخوردار است و دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکت‌ها راحت‌تر است. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده است:

- شرکت‌هایی که قبل از سال ۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند هر سال باشد و طی دوره تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشند.
- شرکت مورد نظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آنها مورد معامله قرار گرفته باشد.

- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری که دارای فعالیت‌های خاص مانند صندوق‌های بازنشستگی، موقوفه‌های تجاری، شرکت‌های بیمه، بانک‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ و... نباشند.

با توجه به شرایط فوق، ۸۷ شرکت فعال طی دوره ۸ ساله از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- متغیرها و مدل تحقیق

پژوهش در قالب سه متغیر شامل یک متغیر مستقل یعنی هموارسازی سود مشمول مالیات و دو متغیر وابسته اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات می‌باشد. برای سنجش اجتناب مالیاتی در این پژوهش به پیروی از میبری و همکاران (۲۰۱۲) از دو نماد نرخ موثر مالیاتی جاری و نرخ موثر مالیاتی نقدی استفاده می‌شود.

جهت بررسی فرضیه ۱ و فرضیه ۲، رگرسیون زیر برآزش می‌شود:

$$\text{TAXOUTCOME}_{i,t+3} = \alpha_0 + \beta_1 \text{SMO}_{i,t-3} + \beta_2 \text{PISMO}_{i,t} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} + \beta_4 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{NOL}_{i,t} + \varepsilon$$

جهت بررسی فرضیه ۳، رگرسیون زیر برآزش می‌شود:

$$\text{RET} = \alpha_0 + \beta_1 \text{SMO}_{i,t} + \beta_2 \text{PISMO}_{i,t} + \beta_3 \Delta \text{TI}_{i,t} + \beta_4 \Delta \text{PBTI}_{i,t} + \beta_5 \text{TI}_{i,t} * \text{SMO}_{i,t} + \beta_6 \Delta \text{PBTI}_{i,t} * \text{PISMO}_{i,t} + \varepsilon$$

که در آن:

TAXOUTCOME: یکی از دو نماد اجتناب مالیاتی (نرخ موثر مالیاتی جاری و نرخ موثر مالیاتی نقدی) می‌باشد که اندازه‌گیری آنها به شرح زیر می‌باشد:

نرخ موثر مالیاتی جاری (**CURETR**): به پیروی از ایرز و همکاران (۲۰۰۹) **CURETR** در طول دوره ۴ سال اندازه‌گیری می‌شود و از طریق تقسیم مجموع هزینه مالیات دوره جاری (**TXC**) در طول دوره ۴ ساله از $t+1$ تا $t+4$ تقسیم بر جمع سود دفتری قبل از مالیات (**PI**) منهای اقلام خاص (اقلام غیر مترقبه) (**SPI**) در طول همان دوره زمانی، بدست می‌آید.

نرخ موثر مالیاتی نقدی (**CASHETR**): به پیروی از دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸)، **CASHETR** حاصل تقسیم جمع وجوه نقد پرداختی بابت مالیات (**TXPD**) از سال $t+1$ تا سال $t+4$ تقسیم بر جمع سود دفتری قبل از مالیات (**PI**) منهای اقلام خاص (اقلام غیر مترقبه) در طول همان دوره مالی می‌باشد.

RET: بازده ۱۶ ماهه بازار است که از آغاز سال مالی تا ۴ ماه پس از پایان سال مالی (تا سود

اعلام شود) اندازه‌گیری می‌شود.

SMO: انحراف معیار سود مشمول مالیات تقسیم بر جمع دارایی‌ها از سال $t-3$ تا سال t .

ΔTI : تغییرات سود مشمول مالیات از دوره $t-1$ تا دوره t تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان

سهام

$\Delta PTBI$: تغییر سود قبل از مالیات از دوره $t-1$ تا دوره t تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

$\Delta TI * SMO$: حاصل ضرب تغییرات سود مشمول مالیات و هموارسازی سود مشمول مالیات

$PISMO$: انحراف معیار حاصل سود قبل از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌ها در سال‌های $t-1$ تا

سال t اندازه‌گیری می‌شود.

$\Delta PTBI * PISMO$: حاصل ضرب متغیر هموارسازی سود قبل از مالیات و تغییرات در سود

قبل از مالیات

Lev : نسبت بدهی‌های جاری و بلندمدت بر دارایی‌ها.

$Size$: لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها

MTB : نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

ROA : نسبت سود قبل از مالیات (PI) به جمع دارایی‌ها (AT)

NOL : خالص زیان عملیاتی دوره جاری تقسیم بر مجموع دارایی، مقادیر مفقودی خالص زیان

عملیاتی را برابر با صفر قرار می‌دهیم.

۶- نتایج تجربی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است. نتایج حاصل از آمار توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد که نماد هموارسازی سود مشمول مالیات به طور میانگین $(0/63)$ نسبت به سود حسابداری مالی $(0/66)$ به طور قابل ملاحظه‌ای از نوسان کمتری برخوردار هست؛ یعنی به عبارتی، سودهای حسابداری نسبت به سود مشمول مالیات هموارتر هستند.

با توجه به جدول ۱، میانگین نرخ مؤثر مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی نسبتاً پایین می‌باشند که نشان دهنده پایین بودن بار مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد. انحراف معیار بازده بازار سهام $0/18$ می‌باشد که نشان می‌دهد پراکندگی قابل ملاحظه‌ای حول میانگین $(0/12)$ ندارد.

جدول (۱) - آمار توصیفی داده‌های تحقیق

نام متغیر	SMO	CURETR	CASH ETR	RET	ΔTI	$\Delta PTBI$	PISMO	Lev	Size	MTB	ROA	NOL
ماکزیمم	۰/۲۶	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۶۳	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۸۴	۱/۱۹	۳۱/۹۱	۱/۴۱	۰/۶۰	۰/۵۴
مینیمم	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۲۴	۲۳/۸۳	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۱
میانه	۰/۴۵	۰/۱۶	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۱۵	۰/۶۶	۰/۱۶	۲۶/۹۴	۰/۳۵	۱/۲	۰/۱۳
میانگین	۰/۶۳	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۶۶	۰/۶۶	۲۸	۰/۳۸	۰/۶۶	۰/۱۶
انحراف معیار	۰/۵۲	۰/۴۴	۰/۲۱	۰/۲۰	۰/۰۳	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۱۶	۱/۳۶	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۰۱

یادداشت: SMO: هموارسازی سود مالیاتی، CURETR: نرخ موثر مالیاتی، CASHETR: نرخ موثر مالیاتی نقدی، RET: بازده بازار سهام، ΔTI : تغییرات در سود مشمول مالیات، $\Delta PTBI$: تغییرات در سود قبل از مالیات، PISMO: هموارسازی سود حسابداری، Lev: اهرم، Size: اندازه شرکت، MTB: ارزش بازار به ارزش دفتری، ROA: بازده دارایی‌ها، NOL: شاخص زیان

۶-۱- آزمون نرمال بودن توزیع متغیرها

برای آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته تحقیق از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است.

جدول (۲) - آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

نام متغیر	نوع متغیر	تعداد مشاهدات	مقدار z	Sig	نتیجه آزمون
CURETR	وابسته	۶۹۶	۱/۰۹۰	۰/۱۸۶	نرمال است
CASHETR	وابسته	۶۹۶	۲/۳۲۳	۰/۲۰۵	نرمال است
RET	وابسته	۶۹۶	۰/۹۳۴	۰/۳۴۷	نرمال است

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیرهای وابسته تحقیق که در جدول ۲ مشاهده می‌شود توزیع داده‌ها در تمامی متغیرهای وابسته نرمال می‌باشند. لازم به ذکر این نکته است که نرمال بودن متغیرهای وابسته به نرمال بودن کل مدل می‌انجامد و در نتیجه توزیع داده‌ها در این مدل برای همه داده‌ها نرمال می‌باشد.

۶-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

نتایج حاصل از آزمون تجربی فرضیات به شرح زیر می باشد:

۶-۲-۱- آزمون تشخیص مدل

برای گزینش اینکه کدام یک از مدل های pool یا پانل برای آزمون فرضیه های پژوهش و تخمین مدل مناسب ترند از آزمون F لیمر استفاده می گردد (عباسی نژاد، ۱۳۸۰).

جدول (۳) - نتایج حاصل از آزمون F لیمر فرضیات

فرضیه ۳	فرضیه ۲	فرضیه ۱	آزمون
۴/۱۰۷	۴/۳۱۷	۴/۰۱۸	آزمون F لیمر
۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۳۳	سطح معنی داری

با توجه به اینکه سطح معنی داری آماره F لیمر در هر سه فرضیه کمتر از سطح خطای مورد پذیرش می باشد، مدل دیتا پنل برای برآورد هر سه مدل انتخاب می گردد.

۶-۲-۲- انتخاب آثار ثابت یا تصادفی در برآورد مدل دیتا پنل

در این بخش به دو نکته مهم در خصوص آثار ثابت یا تصادفی اشاره می گردد: نخست اینکه تمام افراد یا مقاطع در پانل همگن هستند. در این صورت لازم نیست نگران عرض از مبدأهای مختلف برای هر فرد یا مقطع باشیم. در حقیقت، رویکرد پانل دیتا به خوبی می تواند ناهمگنی میان افراد را نشان دهد. این نکته یکی از مزایای مدل پانل نسبت به مدل های مقطعی یا سری زمانی است. دوم اینکه، عرض از مبدأها را جمله ای ثابت و مخصوص هر فرد یا مقطع، در مدل رگرسیونی فرض می کند. مدل آثار تصادفی فرض می کند عرض از مبدأ جمله ای تصادفی برای هر گروه است، اما در هر دوره زمانی از این توزیع تصادفی تنها یک رخداد به صورت یکسان در هر دوره در مدل رگرسیونی وارد می شوند. به عبارت دیگر، برای کل دوره زمانی برای هر فرد تنها یک عرض از مبدأ وجود دارد (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۷). برای گزینش بین آثار ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ آورده شده است.

جدول (۴) - نتایج حاصل از آزمون F لیمر فرضیات

فرضیه ۲	فرضیه ۱-۲	فرضیه ۱-۱	آزمون
۴۲/۶۵۳	۴۵/۵۸۵	۵۱/۹۸۹	هاسمن (آزمون H-Husman)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری (Prob.)

با توجه به اینکه Prob هر سه فرضیه کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین مدل اثرات ثابت با اطمینان ۹۵ درصد برای هر سه فرضیه پذیرفته می شود.

آزمون فرضیه ۱

فرضیه ۱:

بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات جاری ارتباط معنی داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۱ به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (۵) - نتایج حاصل از رگرسیون بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیاتی جاری

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
Constant	-۰/۰۱۵	۰/۶۵۶	۰/۵۱۲
SMO	-۰/۰۱۴	۱/۴۸۱	۰/۰۰۰
PISMO	-۰/۰۰۱	۱/۴۸۱	۰/۱۳۹
SIZE	۰/۰۰۱	۰/۵۷۶	۰/۵۶۵
LEV	-۰/۰۳۷	-۳/۳۶۳	۰/۰۰۱
NOL	-۰/۸۱۲	-۴/۱۴۵	۰/۰۸۱
MTB	-۰/۰۵۱	-۳/۳۲۹	۰/۰۰۱
ROA	۰/۰۶۹	۹/۲۰۸	۰/۰۰۰
آماره F	سطح معنی داری	آزمون دوربین واتسون	ضریب تعیین
۱۸/۰۷۳	۰/۰۰۰	۲/۴۳۷	۰/۳۰۹
			ضریب تعیین تعدیل شده
			۰/۲۹۲

با توجه به جدول ۳ آماره دوربین واتسون ۲/۴۳۷ می باشد که نشان می دهد بین خطاهای مدل خودهمبستگی وجود ندارد. با توجه به آماره F مدل رگرسیون معنی دار بوده و فرض خطی بودن رابطه بین دو متغیر هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات جاری تایید می شود. ضریب تعیین محاسبه شده برابر با ۰/۳۰۹ می باشد که بیان کننده این مطلب است که، ۳۰/۹٪ از تغییرات در نرخ موثر مالیات جاری توسط هموارسازی سود مشمول مالیات و دیگر متغیرهای کنترلی توضیح داده می شود. با توجه به آماره t بدست آمده برای متغیر هموارسازی سود مشمول مالیات که سطح

معنی‌داری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد و مقدار بدست آمده در بتا (۰/۰۱۴-) می‌توان گفت که بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات جاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اهرم، فرصت‌های رشد و نرخ بازده دارایی‌ها تأیید می‌شوند یعنی اینکه این متغیرها رابطه معنی‌داری با نرخ موثر مالیات جاری دارند.

فرضیه ۲:

بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات نقدی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۲ به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (۵) - نتایج حاصل از رگرسیون بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیاتی نقدی

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌دار
Constant	-۰/۰۰۰	-۰/۰۱۹	۰/۹۸۵
SMO	-۰/۰۰۹	۲/۴۳۹	۰/۰۱۵
PISMO	۰/۵۵	۳/۷۸۴	۰/۰۰۰
SIZE	-۰/۰۰۱	۱/۵۷۲	۰/۰۸۱
LEV	-۰/۰۳۲	-۰/۳۶۰	۰/۰۱۵
NOL	-۰/۰۱۴	-۰/۳۱۵	۰/۷۱۲
MTB	-۰/۰۰۴	۴/۱۲۴	۰/۰۲۱
ROA	-۰/۰۶۰	-۰/۵۳۹	۰/۰۰۶
آماره F	سطح معنی‌داری	آزمون دوربین واتسون	ضریب تعیین
۱۸/۸۴۱	۰/۰۰۰	۲/۳۹۴	۰/۳۱۸
			ضریب تعیین تعدیل شده
			۰/۳۰۱

با توجه به جدول ۴ آماره دوربین واتسون ۲/۳۹۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل خودهمبستگی وجود ندارد. با توجه به آماره F فرض خطی بودن رابطه بین دو متغیر سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیاتی نقدی سود مشمول مالیات تأیید می‌شود. ضریب تعیین محاسبه شده برابر با ۰/۳۱۸ می‌باشد که بیان‌کننده این مطلب است که ۳۰/۱ درصد از تغییرات نرخ موثر مالیاتی نقدی توسط هموارسازی سود مشمول مالیات و دیگر متغیرهای کنترلی توضیح داده می‌شود. با توجه به آماره t بدست آمده برای متغیر هموارسازی سود مشمول مالیات که سطح معنی‌داری ۰/۰۱۵ را نشان می‌دهد و مقدار بدست آمده در بتا -۰/۰۰۹ است. بنابراین، می‌توان گفت که بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیاتی نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. از بین متغیرهای کنترلی نیز، تنها تاثیر سه متغیر اهرم، فرصت‌های رشد و بازده دارایی‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد و بقیه متغیرهای کنترلی تاثیر معنی‌داری بر نرخ موثر مالیات نقدی ندارند.

فرضیه ۳: بین هموارسازی سود مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۳ به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (۶) - نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره بین هموارسازی سود مشمول مالیات و بازده بازار سهام

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
Constant	۰/۰۰۹	۱/۲۵۵	۰/۷۹۹
SMO	-۰/۰۰۴	-۰/۵۵۷	۰/۵۷۸
ΔTI	۰/۰۰۱	۰/۶۸۰	۰/۴۹۶
$\Delta PBTI$	۰/۰۳۶	-۳/۲۶۷	۰/۰۰۱
$\Delta SMO \times TI$	-۰/۰۲۳	-۱/۰۰۶	۰/۳۱۵
PISMO	۰/۰۱۵	۳/۲۶۲	۰/۰۰۱
$PISMO \times \Delta PBTI$	۰/۰۶۹	۹/۰۵۱	۰/۰۰۰
آماره F	سطح معنی‌داری	آزمون دوربین واتسون	ضریب تعیین
۱۷/۷۸۱	۰/۰۰۰	۲/۴۲۴	۰/۳۰۶
			ضریب تعیین تعدیل شده
			۰/۲۸۸

با توجه به جدول ۶ آماره دوربین واتسون ۲/۴۲۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل خودهمبستگی وجود ندارد. با توجه به آماره F فرض خطی بودن رابطه بین دو متغیر هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ بازده بازار تایید می‌شود. ضریب تعیین محاسبه شده برابر با ۰/۳۰۶ می‌باشد که بیانگر این مطلب است که ۳۰/۶٪ از تغییرات در نرخ بازده بازار توسط هموارسازی سود مشمول مالیات، تغییرات در سود مشمول مالیات، تغییرات سود دفتری و هموارسازی سود دفتری توضیح داده می‌شود. با توجه به آماره t بدست آمده برای هموارسازی سود مشمول مالیات می‌توان گفت که بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ بازده بازار رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین با توجه به آماره t بدست آمده برای متغیرهای ΔTI (تغییرات سود مشمول مالیات)، ΔTI (اثر متقابل تغییرات سود مشمول مالیات و هموارسازی سود مشمول مالیات) به ترتیب با سطح معنی‌داری ۰/۴۹۶ و ۰/۳۱۵ فاقد رابطه معنی‌دار با بازده بازار می‌باشند. در حالی که آماره t بدست آمده برای متغیر مستقل $\Delta PBTI$ (تغییرات در سود دفتری) و متغیرهای کنترلی PISMO

(هموارسازی سود دفتری) و $PISMO * \Delta PBTI$ (اثر متقابل تغییرات سود دفتری و هموارسازی سود دفتری) به ترتیب با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۰ دارای ارتباط معناداری با بازده بازار شرکت‌ها (RET) می‌باشند.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

در انجام این پژوهش، سه فرضیه آزمون شده است. هدف اصلی از انجام این پژوهش که در قالب سه فرضیه اصلی ارائه شده است، بررسی ارتباط هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش با توجه به متغیرهای وابسته و مستقل که داده‌های آنها جمع‌آوری شده، دو مدل در قالب هر یک از فرضیه‌ها که توسط میبری و همکارانش (۲۰۱۲) تدوین شده است مورد استفاده قرار گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد که هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی ارتباط منفی دارد ولی به لحاظ آماری هموارسازی سود مشمول مالیات ارتباط معنی‌داری با محتوای اطلاعاتی سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران ندارد. نتیجه آزمون فرضیه ۱ نشان می‌دهد که بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات جاری رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. نتیجه آزمون ۲ نشان می‌دهد بین هموارسازی سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات نقدی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده در دو فرضیه مربوط به هموارسازی و اجتناب مالیاتی، می‌توان در مورد فرضیه اصلی چنین اظهار نظر کرد که از آنجایی که رابطه معنی‌دار هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی به اثبات رسیده است، این رابطه در کلیه فرضیه‌های فرعی منفی می‌باشد. از آنجایی که کاهش نرخ مؤثر مالیاتی نشان دهنده افزایش اجتناب مالیاتی می‌باشد، پس می‌توان گفت که با افزایش هموارسازی سود مشمول مالیات، اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه این دو ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند.

نتیجه آزمون مربوط به فرضیه ۳ نشان از رد این فرضیه دارد. با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه ۲ به اثبات نرسید و از این‌رو این فرضیه رد شده است.

نتایج فرضیه اول پژوهش حاضر مورد تأیید قرار گرفته است که مطابق با یافته‌های میبری و همکارانش (۲۰۱۲) می‌باشد، که یافته‌ها حاکی از ارتباط مستقیم و معنی‌دار بین هموارسازی سود

مشمول مالیات و اجتناب مالیاتی (یا ارتباط منفی با نمادهای اجتناب مالیاتی) می‌باشد. نتایج فرضیه دوم پژوهش حاضر رد شد که با یافته‌های میبری و همکارانش (۲۰۱۲) مطابقت ندارد. میبری و همکارانش (۲۰۱۲) ضرایب مربوط به ΔTI و $\Delta PBTI$ را مثبت و معنی‌دار آورده‌اند به طوری که ضریب $\Delta PBTI$ به طور معنی‌داری از ضریب ΔTI بزرگتر می‌باشد و طبق تحلیل‌های انجام گرفته در پژوهش حاضر نیز ضریب $\Delta PBTI$ معنی‌دار است در حالی که ضریب ΔTI معنی‌دار نیست، که نشان می‌دهد از این جهت مطابق با یافته‌های میبری و همکارانش (۲۰۱۲) می‌باشد. نتایج فرضیه دوم این پژوهش هم چنین با یافته‌های هانلون و همکارانش (۲۰۰۵) مبنی بر اینکه سود حسابداری نسبت به سود مشمول مالیات محتوای اطلاعاتی بیشتری دارد، نیز مطابقت دارد ولی یافته‌های هانلون و همکارانش (۲۰۰۵) نیز بیانگر ارتباط معنی‌دار بین سود مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن است که با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت ندارد. یافته‌های مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های هانلون و همکارانش (۲۰۰۵) نیز حاکی از این است که ضریب $\Delta PBTI$ به طور معناداری بزرگتر از ضریب ΔTI می‌باشد.

بنابراین بر اساس نتایج بدست آمده به صراحت می‌توان گفت که سهامداران و سرمایه‌گذاران و به طور کلی فعالان عرصه بازار به اطلاعات مربوط به سود دفتری نسبت به سود مشمول مالیات بیشتر توجه می‌کنند، یعنی اینکه سود دفتری محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود مشمول مالیات دارد و بر اساس یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌توان گفت که سود مشمول مالیات بیشتر به عنوان مبنایی برای وصول درآمد توسط دولت می‌باشد و به همین دلیل شرکت‌ها بیشتر به منظور کاهش خروج وجوه نقد بابت مالیات، به این معیار توجه می‌کنند.

به طور کلی می‌توان اظهار نمود از آنجایی که ارتباط معنی‌دار و مثبتی بین هموارسازی سود مشمول مالیات و اجتناب مالیاتی مالیاتی وجود دارد، بیانگر این موضوع است که اگر شرکت‌هایی طی دوره تحقیق دارای جریان سود مشمول مالیات همواری می‌باشند، از نتایج فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مطلوبی برخوردار خواهند شد. با توجه به این که رابطه معنی‌داری بین هموارسازی سود مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی سود مشمول وجود ندارد، بیانگر این امر است که سود مشمول مالیات اطلاعات مفیدی را برای تصمیم‌گیری فعالان عرصه بازار فراهم نمی‌کند و در تصمیم‌گیری آنان موثر نمی‌باشد.

- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اول که حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنی‌دار بین هموارسازی سود مشمول مالیات و اجتناب مالیاتی می‌باشد پیشنهاد می‌شود:
- الف- قوانین مالیاتی که امکان کاهش مالیات یا گریز از مالیات را برای مؤدی فراهم می‌سازند شناسایی، بررسی و نسبت به آنها تجدید نظر شود.
- ب- آموزش فرهنگ پرداخت مالیات به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی
- ج- بین قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری هماهنگی ایجاد شود، در این صورت آزادی عمل مدیران در بکارگیری روش‌های متفاوت برای مقاصد مختلف کاهش می‌یابد.
- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم که حاکی از عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین هموارسازی سود مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات می‌باشد پیشنهاد می‌شود:
- الف- ضمن هماهنگی استانداردهای حسابداری با قوانین مالیاتی، قوانین افشای مالیاتی را نیز افزایش و اجباری نمایند.
- ب- از آنجایی که مالیات نشان دهنده ایفای تعهد اجتماعی شرکت در قبال دولت و جامعه می‌باشد، سرمایه‌گذاران و فعالان عرصه بازار نیز لازم است که به اطلاعات مالیاتی شرکت‌ها از جمله سود مشمول مالیات توجه داشته باشند و در تصمیمات خود مالیات را نیز لحاظ نمایند.
- ضمناً موارد زیر نیز برای تحقیق‌های آتی پیشنهاد می‌شود:
- تأثیر اجتناب مالیاتی بر محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات نیز تحقیق و بررسی شود.
 - عوامل مؤثر بر هموارسازی سود مشمول مالیات به طور مفصل تحقیق و بررسی شود.
 - در مورد قوانینی که موجبات اجتناب مالیاتی را برای شرکت‌ها فراهم می‌آورد نیز تحقیق صورت گیرد.
 - تأثیر حاکمیت شرکتی به عنوان یک ساز و کار نظارتی در شرکت‌ها بر هموارسازی سود مشمول مالیات و اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات نیز بررسی شود.
- به عنوان محدودیت‌های این تحقیق می‌توان بیان کرد که درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها در صورت‌های مالی شرکت‌ها منعکس نشده است، بنابراین اطلاعات مربوط به این حساب یا از طریق هزینه مالیات یا از طریق اطلاعات مربوط به جدول ذخیره مالیات در یادداشت‌های توضیحی محاسبه شده است. اندازه‌گیری آثار برخی از عوامل، نظیر عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که احتمالاً بر پرداخت مالیات شرکت‌های بورسی نیز مؤثر باشند، امکان پذیر نبوده است.

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی کردلر، علی (۱۳۸۴). بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، رساله دکتری، دانشگاه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- ۲- اشرف زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، نشر موسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
- ۳- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، صص ۸۶-۶۵.
- ۴- پورحیدری، امید و افلاطونی، عباس (۱۳۸۵). بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴، صص ۷۰-۵۵.
- ۵- خالقی مقدم، حمید، آزاد، محمد (۱۳۸۳). محتوای اطلاعاتی پیش بینی سود شرکت‌ها، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۷، صص ۳۳.
- ۶- خدای پور، احمد و ترک زاده، علی (۱۳۹۰). مالیات و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، مجله پژوهش‌های حسابداری، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۴۵-۱۲۷.
- ۷- موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی، فرهاد و خاکی، نرگس (۱۳۸۸). فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۵.
- ۸- دموری، داریوش و عارف منش، زهره و عباسی، خلیل (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.
- ۹- رهنمای رودپشتی، فریدون، تقی پوریان، یوسف، یوسف آزادیان (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل موثر بر رضایت سرمایه‌گذاران از محتوای گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با استفاده از رویکرد فازی. مجله مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی. شماره دوم. صص ۹۸-۶۷.
- ۱۰- عباسی نژاد، حسین (۱۳۸۰)، اقتصادسنجی (مبانی و روش‌ها)، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

11. Ayers, B. C., J. Jiang, and S. K. Laplante.(2008). Taxable Income as a Performance Measure: The Effects of Tax Planning

- and Earnings Quality. *Contemporary Accounting Research* 26(1):15-54
12. Ayers, B. C., Laplante, S. K. and Schwab. C. (2011). Does Tax Deferral Enhance Firm Value? University of Georgia Working Paper.
13. Desai, M. A., and Dhamapala, D. (2005). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. American Law & Economics Association Annual Meetings.
14. Dichev, I. D., and Tang. V. W. (2009). Earnings Volatility and Earnings Predictability. *Journal of Accounting & Economics* 47 (1/2):160-181.
15. Dyreng, S. D., Hanlon, M. and Maydew. E. L. (2008). Long-run Corporate Tax Avoidance. *Accounting Review* 83 (1):61-82.
16. Dyreng, S. D., Hanlon, M. and Maydew. E. L. (2009). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1158060> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1158060>.
17. Fudenberg, D., and Tirole. J. (1995). A Theory of Income and Dividend Smoothing based on Incumbency Rents. *Journal of Political Economy* 103 (1):75.
18. Hanlon, M., and Heitzman. S. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting & Economics* 50 (2/3):127-178.
19. Hanlon, M., Laplante, S. K., and Shevlin. T. (2005). Evidence for the Possible Information Loss of Conforming Book Income and Taxable Income. *Journal of Law & Economics* 48 (2):407-442.
20. Hanlon, M., and Maydew. E. L. (2009). Book-Tax Conformity: Implications for Multinational Firms. *National Tax Journal* 62 (1):127-153.
21. Lev, B., and D. Nissim. (2004). Taxable Income, Future Earnings, and Equity Values. *Accounting Review* 79 (4):1039-1074.

22. Mayberry, M.A., McGuire, S.T., Omer, T. C. (2012). Smoothing taxable income, tax avoidance, and the information content of taxable income. Mays Business School Texas A&M University.